

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد محق
۰۸ می ۲۰۲۳



محمد محق

مدرسه حقانیه

در کتابی که اخیراً درباره بازگشت طالبان به قدرت به دست "حسن عباس" نوشته شده، نقش مدرسه حقانیه در رهبری طالبان توضیح داده شده است. او خود در مصاحبه‌اش نیز به این امر اشاره کرده و می‌گوید که نیمی از اعضای کابینه طالبان از درس‌خواندگان این مدرسه‌اند. حضور درس‌خواندگان مدرسه حقانیه در جنگ و سیاست افغانستان، چیز تازه‌ای نیست. جلال‌الدین حقانی، پدر شبکه حقانی کنونی، از نخستین جنگجویانی بود که تبار فکری و تحصیلی‌اش به این مدرسه می‌رسید.

مدرسه حقانیه از سال‌های ۹۰ میلادی گذشته در قضاای افغانستان دخیل بود و علاوه بر حمایت از گروه طالبان، در تولید نیروی جنگجو برای این گروه بیشتر از سایر مدارس پاکستانی سهم داشت. در آن سال‌ها که پای امریکا و نیروهای خارجی در میان نبود و جنگ‌ها میان طالبان و مجاهدین جریان داشت، دست رهبران دیوبندی پاکستان به‌ویژه گردانندگان مدرسه حقانیه به خون‌های ریخته‌شده آلوده بود. قساوت قلب، خشونت‌طلبی آشکار و تعصبات فرقه‌ای شدید از ویژگی‌هایی بود که بزرگان مدرسه حقانیه به آن مشهور بودند. مانند هر جریان خشونت‌طلب دیگر در تاریخ، خون و جنایت سرانجام دامن رهبران این جریان را هم گرفت و چند چهره مشهور حامی طالبان خود به‌شکل فجیعی به قتل رسیدند، به شمول مولوی "سمیع‌الحق"، رئیس مدرسه حقانیه، مولوی "حسن جان"، رئیس مدرسه امدادالعلوم و "کرنیل امام"، از افسران ارشد آی‌اس‌آی که از افراطیون مذهبی بود.

پرسشی که باید بر آن درنگ کرد، این است که آیا این مدرسه و مدارس مشابه آن واقعاً برای ترویج علم و فضیلت ایجاد شده‌اند یا برای اهداف استخباراتی در جنگ‌های نیابتی؟ و آیا حقیقتاً این مدارس کمکی به ارتقای اخلاقی این جوامع کرده‌اند؟ برای یافتن پاسخ این پرسش، می‌توان مقایسه‌ای کرد میان این مدارس و دانشگاه‌های معتبر جهان و دید که آیا آن‌ها هم در تربیت جنگجویان و فرستادن‌شان به میادین جنگ نقش داشته‌اند؟ آیا اساساً وظیفه مدارس تولید علم و معرفت است یا تولید جنگ و خشونت؟ همین موضوع به تنهایی می‌تواند نشان بدهد که چرا جوامع ما هم از نظر علمی و هم از

نظر اخلاقی دچار عقب‌ماندگی و بحرانند و چرا چرخه خشونت و خونریزی به این اندازه تند و دامنه‌اش به این پیمان‌گسترده است.

در واقع، ترویج مدرسه‌های دینی در پاکستان بخشی از سیاست کلان‌تری بود که از سوی حکومت این کشور در همکاری با بخشی از کشورهای عربی روی دست گرفته شد و با سیاست‌های استخباراتی ایالات متحده و انگلستان در دوران جنگ سرد همخوانی داشت.

دو کشور همسایه، ایران و پاکستان، و هر دو دارای رژیم‌هایی به نام جمهوری اسلامی، از این نظر بسیار مشابه بوده‌اند و نقش حوزه‌های علمیه در ایران بسیار شبیه مدارس پاکستانی بوده است. جالب است که در تهران هم مدرسه‌ای به نام مدرسه حقانی وجود دارد و شماری از جنجالی‌ترین چهره‌های افراطی آن کشور متعلق به همین مدرسه بوده‌اند، مانند "مصباح یزدی، احمد جنتی، محسنی اژه‌ای، علی فلاحیان" و دیگران.

افغانستان امروز تنها در چنگ "شبکه حقانی" اسیر نیست، بلکه خطرناک‌تر از آن شیخ‌هایی با القاب حقانی‌اند که عامل سرکوب میلیون‌ها شهروند این سرزمین هستند. روح مدرسه حقانی مانند شبی سرگردان هر شهروند این جامعه را تا خصوصی‌ترین لایه‌های زندگی‌اش دنبال می‌کند. تا اقدامی سرنوشت‌ساز برای برچیدن حقایق‌ها نشود، آرامش و ثبات به این جوامع برنخواهد گشت و شهروندان از درگیری‌های فرقه‌ی رهائی نخواهند داشت.